بررسی حکم نوروز

از دیدگاه قرآن و سنت

و اقوال سلف و ائمه

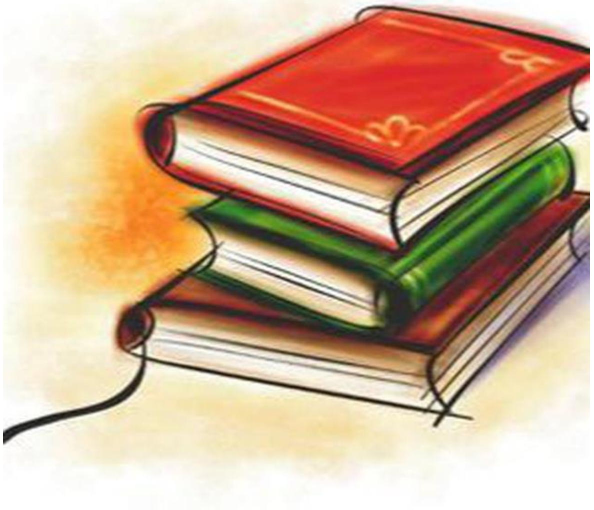

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الحمد للّه نحمده و نستعینه و نستغفره و نعوذ باللّه من شرور انفسنا و سیئات اعمالنا، من یهده اللّه فلا مضل له و من یضلل فلا هادی له، و اشهد ان لا اله الاّ اللّه وحده لا شریك له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله
فان اصدق الحدیث کتاب اللّه و خیر الهدی هدی محمدح و شر الامور محدثاتها و کل محدثة بدعة و کل بدعة ضلالة و کل ضلالة فی النار اما بعد:

مخالفان اسلام و قرآن، کمونیستها و احزاب غیر دینی سالهای متمادی با نام دفاع از حق ملی و منافع زحمتکشان، آزادی زن، حقوق بشر و انواع شعارهای دهن پرکن در صدد مسخ فرهنگ اسلامی برآمدند. زمانی به تناسب شرایط جهانی دم از مبارزه با امپریالیسم و سرمایه داری جهانی می زدند و اینطور در بوقهایشان می دمیدند که رهائی توده های محروم در گرو نابودی امپریالیسم و حکومتهای دیکتاتوری و ضد خلقی است همچنانکه حالا با توجه به شرایط فعلی جهان دم از حقوق و بشر به رهبری امپریالیسم در حال مرگ و احتضار دیروزی می زنند و برای تقرب به ساحت مقدسش!! دست و پا می شکنند و هرکدام بیشتر از دیگری در صدد اثبات وفاداری و سپردن تعهد همکاری و نوکری است و توجیه این چرخش صد و هشتاد درجه نیز برایشان سخت نیست چون می گویند در سایه سازمان ملل حاکمیت واحد جهانی که شبیه حکومت برابری کمونیستی است تحقق جبری می یابد.

روزی به بهانه کهنه شدن، دین را از جامعه می زدودند و دیندار را مرتجع و کهنه پرست معرفی می کردند گویا نشانه هر نادرستی، کهنه بودن و تازه بودن دلیل بر خوب بودن است به همین دلیل بر خلاف حرکتهای چپ لیبرالی بدعتی تازه آفریدند و نوکری شرق و کمونیسم را به جان خریدند و عقاید پوسیده، لینین و مائو رهبران کشتار و وحشت را چون ره آوردی نجات، سوغاتی مردمی ستمدیده و محروم کردند. اما واقعیت همه اینها همین بود که هویدا شد. اینها نسخ شدگان افکار شیطانی در نبردی دیگر رویاروی حق بودند لذا وقتی حنای کمونیست بی رنگ شد برای دشمنی با فرهنگ مردم در صدد رونق بخشیدن و تجدید کردن اعیاد کهنه ملی برآمدند.

آری طرفداران ترقی و پیشرفت راه چاره را در عقب گرد و ارتجاع یافتند و برای تحقق این امر کوی سبقت را از هر مرتجعی ربوده اند گویند این فرهنگ کهن کرد است گویا ایران در آغاز فقط مال کردها بوده است.

راستی کسانی که گمراه می شدند دچار حماقت نیز می گردند. 1400 سال است اسلام فرهنگ این ملت است به بهانه کهنه بودن آن را از جامعه زدودند و برای نابودیش تلاش بسیار کردند تا جایی که در صدد احیای مراسمهای خرافی، تاریخ کهن را به نام فرهنگ ملی جازدند.

مسلمانان: ای کسانی که بخاطر ظلمهای ملی و مشکلات عدیده دیگر، در تنگنا افتاده اید هوشیار باشید، دین شما هویت شماست؛ شخصیت و شرف شماست؛ آن را به آسانی از دست ندهید ملت کرد اگر تاریخ دارد، اخلاق و منشی دارد، تمدن و فرهنگی دارد برای خود شخصیت و گذشته ای دارد در سایه اسلام از آن بهره مند شده است مگذارید بی دینها، ملحدها و دنباله روان گمراه آنها از اهل بدع، این ذلت پذیران حق فروش، این آخرین سفید پروردگار را از شما بگیرند حاکمان ظالم حقوق سیاسی و ملی کرد را نادیده گرفته اند ولی اینها می خواهند شخصیت و هویت شما را در سایه دروغ و شایعات، بسیار زیرکانه از شما بگیرند.

برای عزت و سربلندی ملت کرد، به اسلام راستین برگردیم، از قرآن و سنت پاك رسول اللهح با فهم و درك سلف صالح امت اسلام مدد جوئیم و دست رد بر سینه تمام کسانی که هر روز در رنگی برای ما خودآرائی می کنند بزنیم، آنگاه در تلاشی بی وقفه با یك حرکت مستمر و بر اساس صراط مستقیم پروردگار سعادت دو جهان خویش را تضمین نماییم.

مقدمه

نبرد میان حق و باطل تا آن هنگام که خداوند به انهدام این هستی بپردازد و کارنامه آن را در هم پیچد، برپا است، و پیروی جماعاتی از امت محمد ح از اباطیل اهل باطلی همچون یهود، نصاری، مجوسیان، بت پرستان و غیر ایشان، و بقا و ماندگاری طایفه ای از این امت بر حق، علیرغم تمامی فشار و آزار و اذیتها، همگی از سنتهای مقدر خداوند است.

اقوامی از امت محمد صلی اللّه علیه وسلم از حق به باطل روی آورده و به تغییر و تبدیل دینشان پرداخته اند، که از مهمترین مظاهر و اشکال این تغییر و تبدیل، انکار دین رسول خدا و پیروی کردن از دشمنان در هر ریز و درشتی است به اسم ترقی و تقدم، تمدن و پیشرفت و تحت شعارهای همزیستی مسالمت آمیز(با کفار)، برادری انسانها، نظم نوین جهانی، جهانی سازی وشعارات براق و فریبنده دیگر.

و مسلمانان غیور این درد فاجعه بار را در اکثریت امت- مگر آنکه خدا مشمول رحمتش قرار داده باشد- مشاهده می کند و به عینه می بیند که تا آنجا پیش رفته که در عبادات دینی و خصوصی ترین عادات و تقالید کفار از آنها پیروی می کنند.

و رسول خدا صلی اللّه علیه وسلم از این امر خبر داده و می فرماید: «از راه و روش کسانی که قبل از شما بوده اند، وجب به وجب و ذراع به ذراع پیروی خواهید کرد، حتی اگر به سوراخ سوسماری بخزند شما هم به دنبالشان روانه خواهید گشت»

عرض کردند ای رسول خدا آیا منظورتان یهود و نصاری است؟

فرمود: «آری پس چه کسانی.» و در روایتی دیگر آمده که عرض کردند: منظورتان فارس و روم است؟ فرمود: «پس چه کسانی غیر از آنها می تواند باشد.»

ولی در حدیث دیگر خبر داده اند که: **لَا تَزَالُ طَائِفَةٌ مِنْ أُمَّتِی قَائِمَةً بِأَمْرِ اللَّهِ لَا یَضُرُّهُمْ مَنْ خَذَلَهُمْ أَوْ خَالَفَهُمْ حَتَّى یَأْتِیَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ عَلَى ذَلِكَ**

«در هر زمانه ای طایفه ای از امت من به انجام امیر دین و شریعت خداوند بپا خاسته اند، ترك یاری ایشان از سوی مردم و مخالفت دشمنانشان آسیب و ضرری بدانها نمی رساند، و آنها همچنان باقی اند تا آنگاه که امر خداوند(کمی قبل از وقوع قیامت) فرا می رسد.)»

ما هم در این مقاله جهت ادای امانت و نصیحت امت اسلام به بحث در مورد نوروز پرداخته و حکم اسلام را در مورد آن بیان کرده ایم، به این امید که سبب هدایت این امت گردد، و آنها را از بند غفلت و ذلت برهاند، و در فتح قله های عزت یاورشان باشد و سببی باشد برای مفتضح کردن اهل نفاق و بدعت.

تذکر

اما قبل از شروع بحث لازم است به نکته ای اشاره کنیم و آن اینکه: در این مقاله در تأیید رأی بیان شده در مورد نوروز آیات و احادیثی را ذکر کرده ایم که در سالهای اخیر افرادی که خود را منتسب به اهل سنت و جماعت دانسته، در بحث نوروز به برخی از آنها استنادا کرده اند. ولی مشاهده خواهیم نمود که این آیات و احادیث نه تنها دلیلی بر صحت مذهب فاسد و اعتقاد ناصوابشان نبوده بلکه بالعکس دلایلی هستند در رد مذهب آنها.

علت این اتفاق در بعضی از دلایل مورد استناد ولی اختلاف، در نتیجه حاصله از سوی طرفین و دور شدن یا دوری نمودن از رأی صواب از سوی آنها، آن است که منهج و راه و روش اهل سنت و جماعت بر خلاف افراد مذکور بر سه اصل بنیان نهاده شده و مرجع آنها در اخذ و صدور احکام و تفسیر آیات و احادیث این سه اصل بوده که عبارتند از:

- ✓ قرآن
- ✓ سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم
- ✓ پیروی از فهم و دریافت سلف این امت- علی الخصوص صحابه رضی الله عنهم –

و این رکن سوم یکی از مهمترین خصایص اهل سنت است که وی را از فرق ضال و گمراه دیگر متمایز می گرداند. چرا که هر شخص گمراه و مبتدعی می تواند در تأیید ضلالت و گمراهی اش به نصی از نصوص قرآن و سنت استناد جسته، ولی در همان حال به تحریف و تأویل فاسد آیات و احادیث مورد استناد بپردازد. برعکس اهل سنت و جماعت که تمسك جستن به اقوال و افعال صحابه رضی الله عنهم نشان بارز آن بوده و این خصلت به رکنی از ارکان روش و منهج آنها مبدل گشته است.

لازم به ذکر است که قسمت اعظم این رساله با اختصار از کتاب "إقتضاء الصراط المستقیم" تألیف: شیخ الاسلام ابن تیمیهٔ رحمه الله برگرفته شده است.

چنانچه شخصی به تحقیق بیشتر نیاز داشته باشد می تواند به اصل کتاب مراجعه نماید. مؤلف کتاب مذکور در تأیید رأی صواب موجود در کتاب به بیش از 30 آیه از قرآن کریم، 100 حدیث از احادیث نبوی و اجماع صحابه بر حکم گرامیداشت اعیاد کفار و آثار روایت شده از سلف این امت، استناد جسته است.

حال پس از ذکر این مقدمه، به یاری خداوند متعال به بحث از نوروز و حکم اسلام در مورد آن می پردازیم.

نوروز و ریشه آن

نوروز اولین روز سال نزد آتش پرستان مجوسی و یکی از بزرگترین اعیاد آنهاست. گفته می شود اولین کسی که آن را جشن گرفته است یکی از پادشاهان فارس به نام جمشید بوده که جمشاد هم گفته اند.

مجوسیان در سبب نامگذاری این روز به این نام اختلاف نظر دارند. عده ای می گویند: آن روزی که طهومرت مرد و جمشید بر تخت پادشاهی نشست، را نوروز یعنی روزی جدید خواندند.

و بعضی دیگر بر این عقیده اند که نوروز آن روزی است که خداوند در آن روز نور را خلق کرده است.

و بعضی دیگر گمان می کنند که آغاز زمان گردش افلاك این روز بوده است.

مدت زمان نوروز نزد آنها 6 روز بوده که اول روز آن اولین روز از افریدون ماه(فروردین ماه) بوده که اولین ماه سالشان است. و روز ششم را نوروز بزرگ نامیده اند؛ چرا که خسروان(پادشاهان مجوس) در پنج روز اول نیازمندیهای مردم را رفع می کردند و در روز ششم به مجالس خلوت با خواصشان می پرداختند.

از عاداتشان در این روز این بوده که شب هنگام مردی زیباروی پشت در اتاق کسری(خسرو) تا صبح منتظر می شد، و هنگام صبح بی اجازه بر پادشاه وارد می گشت، هنگامی که پادشاه وی را مشاهده می کرد به وی می گفت: کیستی؟ از کجا آمده ای؟ به کجا می روی؟ اسمت چیست؟ چرا وارد شده ای؟ همراهت کیست؟ وی هم در جواب می گفت: من پیروز هستم، اسمم فرخنده است، و از جانب خداوند آمده ام، سامان و دولتی نیك را آرزومندم، و با تبریك و شاد باش آمده ام، و سال نو را با خود به همراه آورده ام. و سپس می نشست، و پس از او مردی دیگر با سینی طلا به دست وارد می شد که بر آن گندم، جو، گاودانه، نخود، کنجد و سدر بود و از هر کدام هفت خوشه و دانه و مقداری هم سمنو و همچنین دینار و درهم جدید قرار می داد و آنها را جلو پادشاه می گذاشت. سپس برای پادشاه هدایایی می آوردند و پس از آن مردم بر حسب درجات و قربتشان به حضور می رسیدند، آنگاه قرص نان بزرگی که از آن حبوبات تهیه شده بود بر مجمعه ای به حضور آورده می شد، وی هم از آن می خورد و پس از وی حاضرین از آن تناول می کردند. سپس می گفت: این روز جدیدی است، از ماهی جدید از سالی جدید و از زمانی جدید و لازم است که در آن هر چیزی نو گردد. و آنگاه بر بزرگان دولتش خلعت می پوشاند و بذل و عطا می کرد و هدایای رسیده را بر آنها تقسیم می نمود.

و از عادت مردم عوام فارس این بود که شب نوروز را آتش روشن می کردند و به آب پاشی در صبحش می پرداختند.

اعیاد مشروع و جایز در اسلام

نصوص شرعی متواتر و زیادی وجود دارند که اعیاد زمانی را در اسلام منحصراً دو عید سالیانه فطر و قرآن و عید هفتگی روز جمعه معرفی نموده اند، و هر عیدی غیر از این سه عید، از امور احداث شده در دین بشمار می روند که رسول خدا صلی الله علیه وسلم در احادیث زیادی به انجام دهنده آن وعده دخول به جهنم را داده است.

تشبه به کفار در اعیادشان

همچنین دلایل شرعی متواتر و زیادی موجود است که مسلمانان را از مشابهت با کفار در امور دینی آنها مخصوصاً اعیادشان نهی می کند.

1. دسته اول: دلایلی هستند که به طور مطلق از هرگونه مشابهتی با کفار نهی می کند: مانند حدیث: **مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ فَهُوَ مِنْهُمْ** [رواه ابوداود]

«هرکس خود را شبیه قومی گرداند، پس او از آنها است.»

که شیخ الاسلام ابن تیمیه: در مورد این حدیث می فرماید: «تشبه نهی شده در این حدیث هم شامل آن شخصی می شود که عمل کفار را بدان علت که آنها انجامش می دهند، انجام دهد؛ که این حالت بسیار نادر است، و هم آن کسانی را در بر می گیرد که عملی را انجام می دهد و سپس معلوم می شود که کفار هم همانند آن را انجام می دهند، بدون آنکه هیچکدام به تقلید از دیگری پرداخته باشند.»

و می فرماید: «حداقل حکمی که از این حدیث اخذ می شود تحریم تشبه به کفار است، هرچند ظاهر حدیث چنین اقتضا می کند که شخص مقلد از دایره اسلام خارج گردد.»

[کتاب اقتضاء الصراط المستقیم ج 1 ص 237 و 238]

2.دسته دوم: دلایلی اند که از تشابه در امور بخصوصی نهی نموده اند:

مانند حدیث: **جُزُّوا الشَّوَارِبَ وَأَرْخُوا اللِّحَى خَالِفُوا الْمَجُوسَ** [رواه مسلم]

«سبیلهایتان را کوتاه کنید و ریشهایتان را ترک گفته(و کوتاه نکنید) بر خلاف مجوسیان عمل نمایید.»

3.دسته سوم: آیات و احادیثی اند که به صراحت از تشبه به کفار در اعیادشان نهی می کنند و تقلید از آن اعیاد را تبعیت از ضلالت و گمراهی آنها معرفی می کنند. مانند آیه 18 سوره جاثیه که خداوند می فرماید:

﴿ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾

«سپس ما تو را بر آیین و راه روشنی از دین قرار دادیم. پس از این دین پیروی مکن و بر این راه روشن برو، و از هوا و هوس کسانی پیروی مکن که (از دین) آگاهی ندارند.»

و بی شك همانندی با کفار از بارزترین دلایل مودت و محبت آنها است، محبت و مودتی که خداوند مؤمنین را از آن برحذر داشته و ابراز آن را سبب خروج از دایره اسلام معرفی نموده است؛ آنجا که می فرماید:

﴿أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَارَى أَوْلِيَاءَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ﴾ [مائده 51]

«ای کسانی که ایمان آورده اید یهود و نصاری را به دوستی مگیرید(که) بعضی از آنان دوستان بعضی دیگرند. و هرکس از شما آنان را به دوستی گیرد، از آنان خواهد بود.»

و می فرماید: ﴿لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ﴾ [مجادله 22]

«مردمانی را نخواهی یافت که به خدا و روز قیامت ایمان داشته باشند و (در همان حال) کسانی را که با خدا و رسولش مخالفت کرده اند، به دوستی برگزینند، هرچند که آنان پدران، پسران، یا برادران و یا اقوام و قبیلهٔ ایشان باشند.»

حال با روشن شدن این مطلب که نوروز عیدی است از اعیاد مجوسیان (آتش پرستان) با استناد به آیات و احادیث به بیان حکم بزرگداشت و جشن گرفتن این روز از نظر شریعت اسلام می پردازیم:

دلایل جایز نبودن تشبه به کفار در اعیادشان از قرآن کریم

خداوند می فرماید: ﴿وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا﴾ [فرقان 72]
«و بندگان خدا کسانی اند که در مجالس زور(منحرف و نادرست) حضور پیدا نمی کنند و هنگامی که [اتفاقی] بر اهل باطل و سخنان پوچ و یاوه گذر کردند؛ با انکار از آنها روی گردانده و دور می گردند.»

ابوالعالیه، طاوس، ضحاك، ربیع بن انس و غیر ایشان "الزور" را به اعیاد مشرکین تفسیر نموده اند. و در روایتی از ابن عباس آمده است که می فرماید:«منظور از الزور اعیاد مشرکین است.»

[تفسیر ابن کثیر ج 3 و کتاب اقتضاء الصراط المستقمیم ج 1]

هنگامی که خداوند شرکت نکردن در مجالس الزور را مدح فرموده است، شرکتی که صرفاً حضور دیداری یا شنیداری است و بس، همراهی کردن با آنها با انجام عمل الزور که حضور صرف در آن مجالس و استماع یا رؤیت تنها نیست، چه حکمی خواهد داشت؟ پس در حقیقت این آیه شرکت نجستن در اعیاد کفار را تشویق کرده است، و حضور در آن را بدان علت که خداوند آن را الزور نامیده، مکروه می داند.

دلایل جایز نبودن تشبه به کفار در اعیادشان از سنت:

1) انس بن مالك رضی اللّه عنه می گوید: **قَدِمَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ الْمَدِينَةَ وَلَهُمْ يَوْمَانِ يَلْعَبُونَ فِيهِمَا فَقَالَ مَا هَذَانِ الْيَوْمَانِ قَالُوا كُنَّا نَلْعَبُ فِيهِمَا فِي الْجَاهِلِيَّةِ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبْدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا يَوْمَ الْأَضْحَى وَيَوْمَ الْفِطْرِ** [رواه ابی داود] رسول خدا صلی اللّه علیه وسلم (پس از هجرت از مکه) به مدینه تشریف آوردند واهالی مدینه دارای دو روز بودند[روز نوروز و مهرگان(یکی دیگر از اعیاد مجوسیان)] که در آن دو به بازی پرداخته و شادی می کردند، پیامبر صلی اللّه علیه وسلم فرمود: «این دو روز چیست؟»

عرض کردند: ما در زمان جاهلیت در این دو روز به بازی و شادی می پرداختیم، رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم فرمود: «خداوند دو روز دیگر را به جای آن دو برایتان قرار داده است که خیر و نیکی دنیا و آخرت در آن دو قرار دارد: روز عید قربان و روز عید فطر.»

همچنانکه مشاهده می شود رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم آن دو عید را تأیید نفرمود، و آنها را به حال خود رها نکرد تا طبق معمول به بازی در آن دو روز بپردازد، بلکه فرمود: خداوند آن دو را برایتان با دو روز دیگر جایگزین کرده است. و تعویض چیزی با چیز دیگر اقتضا می کند که مورد دوم ترك شود، چرا که امکان جمع شدن مورد تعویضی با شیء تعویض شده وجود ندارد و بدین علت لفظ تبدیل و تعویض(در زبان عرب) استعمال نمی شود مگر آنکه جمع بین دو چیز ترك گفته شود. پس این قول رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم که می فرماید: **إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَبْدَلَكُمْ بِهِمَا خَيْرًا مِنْهُمَا** اقتضا می کند که از جمع بین (نوروز و مهرگان)با دو عید قربان و فطر و انجام همزمان آنها خودداری شود.

2. ام المؤمنین عائشه رضی اللّه عنها می فرماید: **دَخَلَ أَبُو بَكْرٍ وَعِنْدِي جَارِيَتَانِ مِنْ جَوَارِي الْأَنْصَارِ تُغَنِّيَانِ بِمَا تَقَاوَلَتْ الْأَنْصَارُ يَوْمَ بُعَاثَ قَالَتْ وَلَيْسَتَا بِمُغَنِّيَتَيْنِ فَقَالَ أَبُو بَكْرٍ أَمَزَامِيرُ الشَّيْطَانِ فِي بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَذَلِكَ فِي يَوْمِ عِيدٍ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَهَذَا عِيدُنَا و فی روایة: يَا أَبَا بَكْرٍ إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيدًا وَإِنَّ عِيدَنَا هَذَا الْيَوْمُ و فی روایة: دَعْهُمَا يَا أَبَا بَكْرٍ فَإِنَّهَا أَيَّامُ عِيدٍ**
[رواه بخاری و مسلم] ابوبکر رضی اللّه عنه داخل منزل شد در حالیکه دو کنیز (از کنیزان انصار) نزدم بودند که افتخارات و هجاهای انصار در جنگ بعاث که بین دو قبیله اوس و خزرج رخ داده بود را به شکل آواز می خواندند، ولی غنا و آوازخوانی پیشه آنها نبود. ابوبکر رضی اللّه عنه گفت: آوازهای شیطان را در خانه رسول خدا می خوانید؟- و آن واقعه در روز عید بود-، رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم فرمود: «هر قوم و طایفه ای را عیدی است، و این(روز) عید ما(مسلمانان) است.» و در روایتی چنین آمده: «به حال خود رهایشان کن، چرا که ایام عید است. و آن روزها ایام عید قربان بود.»

دلالت این حدیث بر بحث ما از چند جهت است:

1) این قول رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم که می فرماید:
* *إِنَّ لِكُلِّ قَوْمٍ عِيداً وَهَذَا عِيدُنَا* * واجب می گرداند که هر قومی عید اختصاصی خودش را داشته باشد، چرا که حرف *لـ* در کلمه *لِكُلِّ* اختصاص را می رساند.
خداوند متعال می فرماید: ﴿وَلِكُلٍّ وِجْهَةٌ هُوَ مُوَلِّيهَا﴾ [بقره 148]
«هر ملتی قبله ای دارد(که به هنگام نماز) بدانجا رو می کند.»

می فرماید: ﴿لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا﴾ [مائدده 48]
«برای هر ملتی از شما شریعت و طریقی قرار داده ایم.»

که این دو آیه بیان می کنند که هر قوم و ملتی باید قبله و شریعت اختصاصی خودش را داشته باشد. پس چنانچه یهودیان، مسیحیان، مجوسیان و کفار دیگر عیدی داشتند که مختص آنها بود، در آن شرکت نمی کنیم، همچنانکه در قبله و شریعتشان مشارکت نمی کنیم، همچنین از آنها دعوت به عمل نمی آوریم که در اعیاد ما مسلمین شرکت جویند.

2) و این قول رسول خدا ح که می فرماید: *وَهَذَا عِيدُنَا* اقتضا می کند که عید ما تنها آن عیدی باشد که رسول خدا صلی اللّه علیه و سلم می فرماید. و همچنین در این قول پیامبر صلی اللّه علیه و سلم که می فرماید: *وَإِنَّ عِيدَنَا هَذَا الْيَوْمُ* معرفه شدن کلمه *يَوْمُ* با *الـ* گرفتن و مضاف واقع شدن، مبالغه را می رساند و چنین اقتضا می کند که جنس عید ما باید تنها از نوع اعیاد مشروع باشد.

اجماع

1. همچنان که معلوم است یهودیان، نصرانی ها و مجوسیان، در زمان صحابهن و بعد از ایشان هم در شهرهای مسلمانان زیسته و به مسلمانان جزیه پرداخته و اعیاد خود را جشن گرفته

اند؛ و به حکم فطرت بشری در درون مسلمانان نوعی تمایل نسبت به تقلید از اعمالی که آنها در اعیاد خود انجام می داده اند، موجود بوده است.

ولی یقیناً شخصی که بر سیره مطلع باشد می داند که مسلمانان در زمان پیامبر صلی اللّه علیه و سلم چنین کاری نکرده اند، بلکه روز عید کفار نزد ایشان و سایر مسلمانان روزی همانند دیگر روزهای سال بوده است، و هیچ عمل بخصوصی را در آن روز انجام نداده اند.

پس چنانچه دینی که مسلمانان از پیامبرشان آموخته بودند، آنها را از انجام عمل خاصی در آن روز نهی کرده بود، ناگزیر باید اشخاصی در میان آنان پیدا می شد که بعضی از افعال کفار را انجام دهد، زیرا همچنان که اشاره شد عادت آنها پیش از اسلام و کلاً فطرت بشر چنین اقتضا می کند. پس بدون شك آنها از جانب پیامبرشان از شرکت در اعیاد آنها منع شده بودند.

2. از شروط امام عمر رضی اللّه عنه که در زمان خلافتش بر اهل ذمۀ کتابی(یعنی یهود و نصاری) مقرر نمود و مورد اتفاق تمامی صحابه و فقهای بعد از ایشان هم واقع شد، یکی این بود که: آنها حق ندارند در سرزمینهای اسلامی آشکارا و در ملأ عام اعیاد خود را برپا نمایند.

پس اگر اتفاق مسلمانان بر این است که از برپایی علنی عید کفار جلوگیری شود، چطور برای خود مسلمان جایز است که به برگزاری آن بپردازد؟ آیا بزرگداشت آن اعیاد از سوی مسلمانان خطرناك تر از انجام آشکارای آن از سوی کفار نیست؟!

آثار و روایات منقول از صحابه و علما

1. امام عمر رضی اللّه عنه می فرماید: «اجتنبوا أعداء اللّه فی عیدهم»

«در روز عیدشان از دیدار و اجتماع با آنها، پرهیز کنید.» در این فرموده از اجتماع با آنها نهی شده است. کسی که اقدام به برپایی و بزرگداشت عید آنها می کند چه حکمی خواهد داشت؟

2. از عبدالله بن عمر رضی الله عنه به اسناد صحیح روایت می کند که فرمود: «من بنی ببلاد الأعاجم و صنع نیروزهم و مهرجانهم و تشبه بهم حتی یموت و هو كذلك حشر معهم یوم القیامة» «هرکس در سرزمین کفار(مجوسی و غیره) سکونت گزیند و نوروز و مهرگان آنها را جشن بگیرد و همچنان بر این تقلید از آنها ادامه دهد تا از دنیا می رود، در روز قیامت با آنها محشور شده و از زمره آنان محسوب می گردد.»

عبدالله بن عمر رضی الله عنه می فرماید: «مقتضی این حکم این است که فرد بواسطه مشارکت کردن آنها در تمامی این امور کافر می شود.»

3. شیخ الاسلام ابن تیمیه در مجموع الفتاوی می فرماید: «حضور پیدا کردن در اعیاد کفار و همچنین انجام عبادت خاصی در این روز جایز نمی باشد، پس جایز نیست که در اعیاد مشرکین امر بخصوصی انجام گیرد مانند: روزه گرفتن در این روز، تعطیل نمودن کار و شغل، پخت غذای مخصوص به مناسبت این روز، پوشیدن لباس جدید، حمام رفتن و کوتاه نمودن مو به این مناسبت.»

نکته

چنانچه فرض کنیم که یکی از علمای معتبر سلف یا یکی از امرا و خلفا عیدی را احداث کرده باشد و یا در یکی از اعیاد دینی یا دنیایی کفار شرکت جسته باشد، بنا به دلایل محکم شرعی عمل وی مردود است.

چرا که بعضی از ائمه و خلفا اجتهاداتی داشته اند که مخالف حق بوده که علمای سلف بر آنها خرده گرفته و آنها را رد کرده اند، و قطعاً هیچ کس بعد از انبیاء از خطا و لغزش معصوم نیست و هرکس به کتب شرعی بویژه کتب فقهی نظر افکند، در خواهد یافت که همه اشتباه می کنند حتی صحابه چه برسد به غیر ایشان.

امام شافعی می فرماید: «أجمع الناس على أن من استبانت له سنة عن رسول الله لم يكن أن يدعها لقول أحد من الناس» [إعلام الموقعين ج 2 ص 236]

«علما اجماع دارند بر اینکه چنانچه امری بر شخصی آشکار شد که سنت رسول خدا صلی الله علیه و سلم است، حق ندارد آن را به خاطر سخن هیچ کس، ترک گوید.» و باز می فرماید:

«لا قول لأحد مع سنۀ رسول الله»

«سخن هیچکس در برابر کلام رسول خدا ح اعتبار ندارد.»

شبهاتی که مخالفین تحریم نوروز وارد می کنند.

از شبهاتی که مخالفان تحریم این اعیاد ذکر می کنند، به دو مورد اشاره می کنیم:

شبه اول: آنچه که شما عید می نامید و حرام می دانید در حقیقت عید نیست بلکه فقط بزرگداشت یا مناسبت و یادبودی است بر خلاف اعیادی که در آنها اذکاری معین، نمازی بخصوص و یا اموری از این قبیل برپا می شود.

جواب:

آنچه شما بزرگداشت یا مناسبت و یا یادبود وقایع تکراری در سال، ماه و یا غیره می نامید، همان معنای عید است.

چرا که عید همچنان که شیخ الاسلام ابن می فرمایند: «اسم لما یعود من الإجتماع العام علی وجه معتاد عائد إما بعد السنۀ أو بعود الأسبوع أو نحو ذلك»

«عید اسمی است که بر اجتماعی عمومی اطلاق می گردد که هر از چند گاهی با تجدید و نو شدن سال، هفته و امثال آنها، تکرار می گردد.»

که با توجه به این تعریف مراسمی که هر از چند گاه به عنوان عزاداری برپا می شوند هم شامل معنای عید است.

پس به برگزار کنندگان نوروز و دیگر اعیاد کفار می گوییم:

آیا مگر هر ساله برای بزرگداشت نوروز بر سر سفره هفت سین و یا هر مجلس و اجتماع بزرگ و کوچک دیگر جمع نشده و از آن استقبال نمی کنید و مراسم خاصی را برگزار نمی کنید؟

پس در حقیقت آنچه شما انجام می دهید عید است، حال چه آن را عید بنامید و چه اسم دیگری برآن بنهید، چرا که حقیقت امر معتبر است نه اسامی.

مشاهده نموده ایم که بعضی زنا کرده و اسم دیگری بر آن می نهند، ربا می خورند اما چیز دیگری به آن می گویند، همچنانکه رسول خدا صلی الله علیه و سلم می فرماید:
"يَشْرَبُ نَاسٌ مِنْ أُمَّتِي الْخَمْرَ يُسَمُّونَهَا بِغَيْرِ اسْمِهَا" [رواه نسائی]
«مردمانی از امت من شراب خواهند نوشید ولی با اسم دیگری از آن نام خواهند برد.»

شبهه دوم: بعضی دیگر از مخالفین می گویند: این بزرگداشت ها به مناسبت تجدید طبیعت، آمدن بهار، تمام شدن سرما و اموری از این قبیل است، که هدف از انجام آن تشبه به کفار نیست، بلکه جزو عاداتی است که در شریعت اسلام اصل بر حلال بودن آنهاست.

جواب:

اولاً با توجه به تحقیقی که در اول بحث آوردیم معلوم شد که بزرگداشت مناسبتهای دینی همچون نوروز و کریسمس و مناسبتهای دنیوی همچون روز مادر، روز زن و روز جهانی کودك از کفار اخذ شده است. و چنانچه فرض کنیم که مسلمانان، خود عیدی بوجود آورده باشند و هیچ کافری قبل از آنها آن را انجام نداده باشد، این امر تشبه به آنها را نفی نمی کند، چرا که احداث اعیاد شاد یا غمگین جهت احیای مناسبتی معین، سنت و شیوه کفار است.

دوماً برای تشبه به کفار شرط نیست که شخص عملی را به این علت انجام دهد چون کفار آن را انجام می دهند، بلکه همین قدر کافی است که عمل انجام شده از امور اختصاصی کفار بوده

و از آنها اخذ شده باشد، همچنانکه در این مورد در صفحات قبل قول شیخ الاسلام ابن تیمیه را آوردیم.

اشکال تشبه به کفار در اعیادشان

اعیاد کفار به دو دسته تقسیم می شوند:

1. اعیاد دینی که از برگزاری آن قصد تقرب به خداوند را دارند، مانند عید نوروز و عید میلاد مسیح.

2. اعیادی که در اصل جزو دین کفار بوده، ولی سپس به مراسم و عاداتی جهانی مبدل گشته است، مانند عید المپیك یونانی ها. که مشابهت مسلمانان به آنها در این نوع از اعیاد به دو شکل روی می دهد:

الف) شرکت جستن در اعیادشان

ب) انتقال آنها به سرزمینهای اسلامی، که این حالت قبیحتر از حالت قبلی است.

یکی دیگر از صور تشبه به کفار مشابه ساختن اعیاد مسلمین به اعیاد کفار است.

در مورد نوروز هم می توان به موارد زیر اشاره کرد:

1) برپایی چهارشنبه سیاه «چهارشنبه سوری»

2) خانه تکانی و تعویض اثاثیه منزل

3) پهن نمودن سفره هفت سین و جمع شدن دور آن و انتظار حلول سال نو را کشیدن

4) تبریك گفتن سال جدید و ارسال کارت تبریك

5) عیدی دادن و عیدی گرفتن

6) دید و بازدید و سرزدن به اقوام

7) پوشیدن لباس نو به مناسبت این عید

8) تعطیل نمودن مغازه، مدارس و غیره

9) مسافرت نمودن به مناسبت این روز

10) انجام آیین سیزده بدر

و بطور کلی هر عملی که به این مناسبت انجام شود.

چگونه از اعیاد کفار پرهیز کنیم؟

- ✓ اجتناب از حضور در آنها
- ✓ پرهیز از انجام اعمالی که در اعیادشان انجام می دهند.
- ✓ عدم استفاده از وسایل نقلیه ای که جهت حضور در عید بر آنها سوار می شوند.
- ✓ هدیه ندادن به آنها در ایام عید و ترك خرید و فروشی که از طریق آن به برگزاری عید می پردازند.
- ✓ کمك نکردن به مسلمانی که قصد تشبه به آنها در عیدشان را دارد.[یعنی اگر چنانچه مسلمانی در آن روز برخلاف عادت میهمانی برپا کرد، از حضور در میهمانی اش پرهیز شود، یا چنانچه مسلمانی در این ایام بر خلاف عادت چیزی را هدیه کرد، از قبول هدیه اش امتناع کرده- علی الخصوص هدیه ای که بر شباهت به آنها کمك می کند- و از فروش خوراك و پوشاکی که مسلمانان با استفاده از آن خود را شبیه کفار در عیدشان می گردانند، خودداری شود. [ابن تیمیه الاقتضاء ج 2 ص 915- 925]

✓ تبريك نگفتن عيد به آنها:

امام ابن قيم: مى فرمايد: «تبريك و تهنيت گفتن مراسم كفر مختص به آنها به اتفاق حرام است، مثل اينكه شخصى عيد را به آنها تبريك گفته و بگويد: عيدت مبارك، چنانچه گوينده اين تبريك كافر نگردد، دست كم فعل حرامى را مرتكب گرديده و اين گفته همچون تبريك گفتن سجده بردنشان براى صليب است، بلكه چنين عرض تبريكى معصيت تر و نزد خداوند مبغوض تر است از اينكه به علت نوشيدن شراب و قتل نفس و ارتكاب زنا و امثال اينها به آنها تبريك گفته شود.»

[احكام اهل الذمه ج 1 ص 144- 244]

انواع مفاسد حاصل از تشبه به كفار در اعياد

1. همچنانكه اشاره شد اعياد از جمله شرايع و آداب دينى است و موافقت با كفار در همه اعمال عيد موافقت در كفر آنها، و موافقت در بعضى از فروع آن، موافقت در بعضى از شعب كفر است. و هيچ شكى در اين نيست كه همراه شدن با كفار در عيدشان به همراهى و موافقت با تمام كفر آنها منجر خواهد شد.

2. آنچه كفار در عيد انجام مى دهند، معصيت خداوند است؛ چرا كه يا ساخته دست خودشان بوده و يا به پيامبرشان نسبت داده اند و يا منسوخ گشته است، كه در هر دو صورت مسلمان با برگزارى آن عيد دچار معصيت مى گردد.

3. برگزارى گوشه هايى از آداب عيد كفار، به انجام بيشتر اعمال عيدشان منجر خواهد گرديد، و آنگاه كه آن عيد مشهور شد عامّه مسلمين به برگزارى آن مى پردازند و اصل آن را فراموش مى كنند، تا آنجا كه به عادت بلكه عيد آنها مبدل گشته و همچون اعياد دينى محسوب مى گردد، بلكه آن قدر بر آن مى افزايند كه سرانجام به مرگ اسلام و حيات كفر خواهد انجاميد.

4. مشابهت با کفار در اعیادشان سبب سرایت رفتارهایی از جانب کفار خواهد شد که مورد لعن و نفرین خدا و رسولش هستند.

5. مشابهت با کفار سبب بروز محبت و دوستی آنها می گردد، دوستی و محبتی که شخص را از دایره اسلام خارج می گرداند.

6. به خاطرتعدد اعیاد و شروع پیش از موعد و خاتمه نیافتن سر وقت، زمان زیادی تلف می شود.

7. در طول این مدت عده ای برای شادی خود، آرامش و آسایش را از افراد زیادی همچون کودکان، افراد مسن و بیماران سلب می کنند.

8. چنین اعیادی سرمایه های کلانی را به هدر می دهد.

9. به علت حاکم بودن فضای تفاخر و تکبر در جامعه، بر قشر فقیر جهت برگزاری این چنین اعیادی فشار زیادی وارد می شود.

10. در چهارشنبه سیاه که به چهارشنبه سوری مشهور است، محیط زیست به شدت آلوده گشته، پول زیادی بدون کمترین فایده ای هدر می رود و افراد زیادی زخمی و یا کشته می شوند.

11. غالباً در چنین اعیادی به جای ابراز محبت و به جای آوردن صله رحم که از خصوصیات اعیاد اسلامی است، جنگ و دعوا و کدورت به وجود می آید.

12. اختلاط و بی بند و باری و فساد و دورشدن از انسانیت به اوج خود می رسد.

13. مصرف مشروبات الکلی و مواد مخدر در این اعیاد افراد زیادی را بیمار کرده و یا به کام مرگ می فرستد.

حال برادر و خواهر مسلمانم! كداميك از مواردى كه در بالا بدان اشاره شد، واقعيت ندارد. اگر حقيقت دارند، آيا هيچكدام از آنها مورد تأييد اسلام است؟ اگر جوابت منفى است، پس چطور اين روز را جشن مى گيرى؟ اگر عذابى همچون سونامى نازل شده و تو را هم در برگيرد، چه جوابى خواهى داشت؟ برادرم مگر نخواهى مرد؟ پس از مرگ و در گور تنگ و تاريك، در صحراى محشر و جهنم چه خواهى كرد؟ به كجا پناه خواهى برد؟

پس هم ظاهر و باطن خود را از تشبه به كفار تهى كن و هم به نيكوترين شيوه به ارشاد آنهايى بپرداز كه به تقليد از كفار پرداخته اند.

چرا كه تقليد از كفار جزو منكراتى است كه زدودن آن بر حسب توان واجب است، همچنانكه رسول خدا صلى الله عليه و سلم مى فرمايد:

مَنْ رَأَى مِنْكُمْ مُنْكَرًا فَلْيُغَيِّرْهُ بِيَدِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِلِسَانِهِ فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَبِقَلْبِهِ وَذَلِكَ أَضْعَفُ الْإِيمَانِ و ليس وراءه حبة خردل من الايمان

«هركس در مؤمنان عمل يا قولى را مشاهده نمود كه شرع تقبيحش نموده بود، با دستش جلوى آن منكر را بگيرد، اگر نتوانست با زبانش(يعنى با موعظه و نصيحت) منكر آن شود، و چنانچه با زبان هم نتوانست پس با قلبش آن را انكار كند(بدين شيوه كه به آن راضى نباشد و در باطن به انكار آن بپردازد) كه اين مرتبه آخر ضعيف ترين شعبه ايمان و كم ثمرترينِ آن است و بعد از اين مرتبه به اندازه دانه خردلى ايمان وجود ندارد.»

و صلى الله و سلم على نبينا محمد و على آله وصحبه و سلم